

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد
بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسایل ایدئولوژیک

الحاج داکتر امین الدین سعیدی
۱۶ اپریل ۲۰۱۴

آداب جنازه

۷

جنازه شخصی که خود کشی کرده:

قبل از همه باید گفت شخصی که خود کشی نموده ، به جسد آن غسل داده می شود و نماز جنازه بر آن خوانده می شود و در حظیره مسلمانان دفن می گردد ، زیرا او عصیانگر است، چون قتل نفس معصیت است نه کفر و پناه به خدا هرگاه کسی خودکشی نموده غسل و نماز بر او انجام می شود، و کفن می گردد، و لکن بهتر است که امام بزرگتر و کسی که میان مردم دارای اهمیت و مقام باشد، به عنوان انکار و ردّ بر او نماز نمی خواند، تا مردم گمان نبرند که او به عمل میت (فردی که خود را کشته است) راضی می باشد، و امام اکبر یا سلطان یا قضات یا والی ولایت هر گاه نماز بر وی را ترک نمودند به عنوان ردّ و انکار این عمل و اعلان این که این عمل خطا می باشد، مطلوب و پسندیده است، ولی مسلمانان دیگر بر وی نماز می خوانند.

عدم اشتراک امام در جنازه :

در بسیاری از اوقات دیده شده است که در برخی از مساجد امام مسجد در خواندن جنازه بهانه تراشی می کند و استدلال می کند که اگر میت کلمه شهادتین را گفته باشد نمازش را می خوانم ، در غیر آن از این که من از مرده اطلاع قبلی ندارم که آیا شخص متذکره مسلمان بوده یا بی اعتقاد؟ تارک نماز بوده یا خیر؟ و من نمیخواهم در جنازه اشتراک کنم .

از دید و فهم شرعی در مورد چه باید کرد ؟

اصل بر آنست که بر هر مسلمانی که شهادتین گفته باشد، و ارتکاب به کفر و ارتداد او معلوم نشده باشد، باید نماز جنازه خواند. بنابراین اگر جنازه را به مسجد آوردند، امام با تکیه به این اصل و داشتن حسن ظن می تواند بر آن نماز بخواند ، و نباید در نخواندن جنازه استدلال نماید .

ولی در این بخش نکات چندی را از دید فقها خدمت خوانندگان تقدیم می دارم :

فقها می گویند که شخص میت اگر تارک نماز باشد دوقول مشهور ذیل وجود دارد :

اول :

جمهور اهل علم شخص تارک نماز را کافر نمی دانند، مگر آن که شخص متذکره منکر نماز باشد.

دوم :

عده ای از اهل علم با استناد به این فرموده پیامبر صلی الله علیه وسلم : «العهد الذی بیننا و بینهم الصلاة فمن ترکها فقد کفر». یعنی: «مشخصه بین ما و آنها (کفار و مشرکین) نماز است، هر کس آنرا ترک کند کافر می شود». ابن ماجه (۱۰۷۹).

تارک نماز را کافر می دانند، ولو که شخص متذکره منکر آن هم نباشد.

اما جدا از این که کدام قول ارجح تر است، از باب احتیاط و خروج از اختلاف و برائت جستن از این عمل؛ نباید بر جنازه تارک نماز، نماز جنازه خواند، به دلیل فرموده الله متعال درباره منافقین :

« وَلَا تُصَلِّ عَلَى أَحَدٍ مِنْهُمْ مَاتَ أَبَدًا وَلَا تَقُمْ عَلَى قَبْرِهِ إِنَّهُمْ كَفَرُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَمَاتُوا وَهُمْ فَاسِقُونَ » (توبه ۸۴).

یعنی : « هرگز بر مرده هیچ یک از آنان، نماز نخوان! و بر کنار قبرش، (برای دعا و طلب آمرزش) نایست! چرا که آنها به خدا و رسولش کافر شدند؛ و در حالی که فاسق بودند از دنیا رفتند».

و اگر انسان شک داشت که آیا فلان میت در دنیا نماز خوان بوده یا خیر، می توان بر او نماز جنازه خواند در عوض دعا را به صورت شرطی بخواند، مثلاً می گوید : « اللهم ان کان مؤمناً فاغفر له وارحمه.. ». «بارالها! اگر او مؤمن بوده، پس وی را ببامرز و بر او رحم نما ..».

از علامه ابن عثیمین سؤال شد : اگر گمان غالب این باشد که میت نماز نمی خوانده، آیا این امر منجر می شود که بر او نماز خوانده نشود؟

جواب دادند : « این امر موجب امتناع از خواندن نماز بر او نخواهد شد، هر چند گمان غالب داشته باشد که او نماز نمی خوانده، مادام که یقین ندارد او نماز خوان نبوده (می تواند بر او نماز بخواند)، اما اگر گمان غالب او به دلیل وجود قرائن قوی شکل گرفته باشد، در آنصورت هرگاه برای وی دعا کرد، آن را مقید کند، مثلاً بگوید : « اللهم ان کان مؤمناً اللهم فاغفر له وارحمه .. تا آخر دعاء».

دعای شرطی در کتاب و سنت آمده است، الله متعال در آیت لعان در باره شهادت مرد بر زنش که وی را متهم به زنا می کند، فرمود : « فَشَهَادَةُ أَحَدِهِمْ أَرْبَعُ شَهَادَاتٍ بِاللَّهِ إِنَّهُ لَمِنَ الصَّادِقِينَ * وَالْخَامِسَةَ أَنَّ لَعْنَةَ اللَّهِ عَلَيْهِ إِنْ كَانَ مِنَ الْكَاذِبِينَ * وَيَذَرُ عَنْهَا الْعَذَابَ أَنْ تَشْهَدَ أَرْبَعَ شَهَادَاتٍ بِاللَّهِ إِنَّهُ لَمِنَ الْكَاذِبِينَ * وَالْخَامِسَةَ أَنَّ غَضَبَ اللَّهِ عَلَيْهَا إِنْ كَانَ مِنَ الصَّادِقِينَ » (سوره نور ۶-۹).

یعنی : « هر یک از آنها باید چهار مرتبه به نام خدا شهادت دهد که از راستگویان است؛ و در پنجمین بار بگوید که لعنت خدا بر او باد اگر از دروغگویان باشد. آن زن نیز می تواند کفر (زنا) را از خود دور کند، به این طریق که چهار بار خدا را به شهادت طلبد که آن مرد (در این نسبتی که به او می دهد) از دروغگویان است. و بار پنجم بگوید که غضب خدا بر او باد اگر آن مرد از راستگویان باشد».

این دعا با شرط است...

اما اگر بدانی که او نماز خوان نبوده، در آنصورت برای شما حلال نیست بر او نماز بخوانید، نه شما و نه دیگران؛ به دلیل فرموده الله تبارک و تعالی : « وَلَا تُصَلِّ عَلَى أَحَدٍ مِنْهُمْ مَاتَ أَبَدًا وَلَا تَقُمْ عَلَى قَبْرِهِ » (توبه ۸۴). « هرگز بر مرده هیچ یک از آنان، نماز نخوان! و بر کنار قبرش، (برای دعا و طلب آمرزش) نایست». الله متعال نهی کردند که بر منافقینی که اظهار اسلام می کنند و کفر خود را پنهان می دارند، نماز خوانده شود». « فتاوی نور علی الدرب»

زنان و نماز جنازه :

شرع اسلامی از اشتراک زنان در نماز جنازه ممانعتی به عمل نیاورده ، زنان می توانند در صورتی که زینت خود را اشکار نسازند و رفتارهای خلاف شرع؛ مانند چاک نمودن پیراهن، خراشیدن وسیلی زدن در روی و سر ، ناله و

زاری با صدای بلند، از آنان دیده نشود، در مراسم تعزیه اشتراک نماید. قابل تذکر است که تمام این کارها باعث خشم پروردگار گردیده و سبب آزارمیت در قبرش خواهد شد.

شیخ سید سابق در کتاب فقه السنه می نویسد :

مانع شرعی در اشتراک زنان در نماز جنازه وجود ندارد و اگر حاضر بودند باید نماز جنازه را بخوانند. در حکم فقهی موضوع اشتراک زنان در نماز جنازه آمده: جائز است که زنان مانند مردان نماز جنازه را بخوانند چه به صورت انفرادی و یا به شکل جماعت.

در صورتی که زنان در مراسم جنازه حاضر باشند، می توانند نماز جنازه را با مراعات آداب معین که البته در آخر صف ایستاده شده، به جای آرند.

حضرت عمر انتظار کشید تا مادر عبدالله نماز جنازه عتبه را خواند و بی بی عایشه امر کرد تا جنازه سعد بن ابی وقاص را بیاورند تا بر وی نماز بخواند.

امام النووی در مورد نماز جنازه برای زنان می فرماید :

لازم است برای زنان در نماز جنازه جماعت ترتیب شود، نماز جنازه را به جماعت به جای آرند مثلی که در نماز های دیگر به جماعت می خوانند و همین نظریه الحسن بن صالح و سفیان ثوری و امام احمد و امامان مذهب حنفی می باشد. در کتاب مشهور فقهی به نام (الفتاوی النسائیه) (فتوا ها برای زنان) آمده است :

زنان مانند مردان اگر در نماز جنازه حاضر شوند، باید نماز جنازه بخوانند و ثوابی که مردان از نماز جنازه می گیرند، زنان نیز همان ثواب را به دست می آورند.

مؤرخان می گویند که مردان و زنان جنازه رسول الله صلی الله علیه وسلم را خوانند. اگر جنازه حاضر شد باید که زنان با مردان نماز آن را بخوانند.

خواندن نماز جنازه به طور انفرادی:

سنت آنست که به صورت جماعت بر جنازه نماز خوانده شود، زیرا پیامبر صلی الله علیه وسلم و اصحابش اینگونه عمل کردند، هر چند اگر به صورت انفرادی هم باشد، جایز است.

امام نووی رحمه الله می گوید :

«نماز جنازه فرادی جایز است، اما سنت آنست که با جماعت خوانده شود، به دلیل حدیث نبوی : « مَا مِنْ مُسْلِمٍ يَمُوتُ فَيُصَلِّي عَلَيْهِ ثَلَاثَةُ صُفُوفٍ مِنَ الْمُسْلِمِينَ إِلَّا أُوجِبَ » . یعنی : « هر مسلمانی که بمیرد در حالی که سه صف از مسلمانان بر او نماز جنازه بر پا دارند بهشت بر او واجب می گردد ». به روایت ابوداود و ترمذی، احادیث صحیح مشهور دیگری هم وارد شده، و اجماع مسلمین هم بر آن شکل گرفته است، و هر اندازه تعداد نمازگزاران بیشتر باشد بهتر است... ». «شرح المذهب» (۱۷۱/۵).

و در کتاب دائرة المعارف فقهی آمده : «... حنفیه و شافعیه و حنابله گفتند که جماعت شرط صحت نماز بر جنازه نیست، بلکه سنت است. و مالکیه گفتند : شرط صحت آن؛ جماعت است، مانند نماز جمعه، اگر بدون امام بر جنازه نماز خوانده شود، نماز تکرار شود». «الموسوعة الفقهية» (۱۸/۱۶).

علامه ابن عثیمین رأی جمهور را برگزیده و در کتاب «الشرح الکافی» گفته : «جماعت شرط نیست، اگر به صورت فرادی هم نماز خوانده شود صحیح است، صحابه هم به صورت انفرادی بر پیامبر صلی الله علیه وسلم نماز خواندند، زیرا آنها ناپسند می دانستند که شخصی را در مقابل رسول الله صلی الله علیه وسلم امام قرار دهند، لذا هر کدام از مردان و سپس زنان به تنهایی آمدند و بر ایشان نماز خواندند».

تهلیل دسته جمعی در جنازه:

در بسیاری حالت دیده شده که مسلمانان در حمل جنازه به سوی قبرستان تهلیل می کنند و صدای خویش را با گفتن اذکار و به خصوص (لا اله الا الله) و یا هم گفتن نعره تکبیر بلند می کنند .

قبل از همه باید گفت که مطابق احادیث :

«روش رسول صلی الله علیه وسلم در وقت تشییع و حمل جنازه اینگونه بود که هیچ صدائی نه تهلیل (لا اله الا الله) و نه قرائت و مانند اینها از ایشان شنیده نمی شد، و امر به تهلیل دسته جمعی نکردند، بلکه از ایشان روایت شده که: «**نهی أن يتبع الميت صوت أو نار**». یعنی : «ایشان نهی کردند که میت را همراه با صدای بلند و یا آتش تشییع کنند». ابوداود و روایت کرده است.

و قیس بن عباد که از بزرگان تابعین و از اصحاب علی بن ابی طالب رضی الله عنه است، می گوید:

«اصحاب پیامبر صلی الله علیه وسلم پائین آوردن صدا در وقت تشییع جنازه و در وقت ذکر و در وقت قتال (جنگ) را مستحب می دانستند». طبرانی و ابو نعیم با سندی که روایانش مورد اعتماد می باشند.

و شیخ الاسلام ابن تیمیه رحمه الله می گوید :

«نه قرائت و نه ذکر و نه چیز دیگری با صدای بلند همراه جنازه مستحب نیست، و این مذهب ائمه اربعه و ماثور از روش سلف از صحابه و تابعین است، و نمی دانم که مخالفی داشته باشد.

و باز فرمودند :

«اهل علم آشنا به حدیث و آثار اتفاق نظر دارند که این روش در قرون مفضله (سه قرن اولیه اسلام) مرسوم نبوده است».

بنابراین باید برای شما روشن شده باشد که گفتن (لا اله الا الله) با صدای بلند در وقت حمل جنازه بدعتی منکر است...».

(اللجنة الدائمة للبحوث العلمیة والإفتاء (۱۹/۹) .)

شیخ ابن عثیمین طی فتوائی می فرماید :

آنچه از مسلمانانی که عادت دارند که در وقت حمل جنازه با صدای بلند (لا اله الا الله – الدایم وجه الله) می گویند، و در وقت دفن آن در قبر می گویند : (یا رحمن – یا رحمن ..) باید برایشان توضیح داد که :

«این اذکار ابداع شده هستند، شکی نیست که جز الله هیچ معبود به حق نیست، و جز او تعالی باقی نمی ماند، اما گفتن این اذکار بدعت است، زیرا هر روشی که سلف صالح آن را به قصد تقرب الی الله انجام نداده باشند، اگر (کسانی آن را) به قصد عبادت انجام دهند، پس بدعت است.

و همینطور گفتن (یا رحمن – یا رحمن ..) در وقت دفن مرده، آن نیز بدعت است.

کسی که همراه جنازه می رود و در تشییع آن شرکت می کند، سنت است که (در آن لحظه) در عاقبت خویش تأمل کرده و به فکر فرو رود، و این که اگر الان همراه جنازه می رود، به زودی او را نیز (مانند این مرده) تشییع خواهند کرد، و در اعمال و احوالش تأمل کند.

در وقت دفن مرده؛ پیامبر صلی الله علیه وسلم بعد از فراغت از دفن میت کنار قبر می ایستاد و می فرمود :

«**اسْتَغْفِرُوا لِأَخِيكُمْ وَسَلُّوا لَهُ بِالتَّيْبِتِ فَإِنَّهُ الْآنَ يُسْأَلُ**». یعنی : «برای برادران طلب آمرزش کنید و برای او از خداوند

تقاضای استقامت نمائید . چرا که اکنون مورد بازخواست قرار می گیرد» به روایت ابوداود. پس سنت اینگونه است

(که بعد از دفن برایش دعای استقامت و استغفار نمود). (تفصیل موضوع را در رساله (إجابات مفيدة صفحة ۱۸

مطالعه فرماید).

برداشتن جنازه:

در حدیثی از حضرت از ابو هریره روایت است که رسول الله صلی علیه وسلم فرموده است کسی که به نیت ثواب در جنازه برادر مسلمان شریک گردد تا آنوقت که همراه جنازه باشد که نماز بر آن خوانده نشده و از دفن کردن فارغ شوند برابر دو قیراط اجر به او لازم می گردد که اندازه هر قیراط برابر کوه احمی باشد اگر کسی صرف جنازه خواند پس گردد به دفن او نظر نکند برای این اجر یک قیراط داده می شود. (معارف الحدیث، صحیح بخاری، مسلم)

همچنان در حدیث دیگری از ابو هریره رضی الله عنه روایت است: رسول الله صلی علیه وسلم فرموده است جنازه را به تیزی ببرید زیرا که اگر او نیک باشد قبر برایش جنت می باشد زود برسانید، اگر نباشد پس زود از شانه های تان پائین نمائید یعنی به قبر زود رسانید. (صحیح بخاری، مسلم، معارف الحدیث)

در حدیث شریف آمده است که کسی که چهار پائی جنازه را از چهار طرفش بلند نمایند، یعنی به هر چهار پای چهار پائی شانه بگذارند از چهار گناه کبیره معاف می گردد و برای مغفرت می شود.

انتقال میت در موتر جنازه به قبرستان :

افضل و بهتر آنست که میت را بر روی شانه ها به سوی قبرستان و محل قبرش حمل نمود، تا مردم بدانند که جنازه است و برایش دعا کنند، و از مرگ پند بگیرند، اما اگر احياناً عذری در کار باشد، مثلاً قبرستان دور باشد یا گرمای شدید و یا هوا سرد باشد، ایرادی ندارد که آن را به وسیله موتر جنازه حمل کرد.

در کتاب «التاج والإکلیل» (۳/۳۴) آمده: «اگر کسانی نباشند که جنازه را (بر روی شانه های خود) حمل کنند، ایرادی ندارد جنازه را روی چهار پائی حمل کرد».

و در «مطالب اولی النهی» (۱/۸۹۵) آمده: «حمل جنازه بر روی سواری به غرض صحیحی اشکالی ندارد، مثلاً قبر او دور باشد و یا سنگین وزن باشد».

و شیخ البانی در «کتاب الجنایز» می گوید: «راه رفتن پشت سر میت و پیشاپیش آن، از رسول الله صلی علیه وسلم عملاً به ثبوت رسیده است. انس بن مالک رضی الله عنه می گوید: «ان رسول الله صلی علیه وسلم و ابابکر و عمر کانوا یمشون امام الجنازه و خلفها». یعنی: رسول خدا صلی علیه وسلم، ابوبکر و عمر پیشاپیش و همچنین پشت سر جنازه راه می رفتند». این ماجه و طحاوی از طریق یونس بن یزید و سند آن مطابق شیخین صحیح است. ولی بهتر است که تشییع کنندگان پشت سر جنازه حرکت کنند..

تشییع جنازه به حالت سواره نیز جایز است، به شرط این که پشت سر جنازه حرکت کنند. رسول الله صلی علیه وسلم می فرماید: «الرَّاکِبُ یَسِيرُ خَلْفَ الْجَنَازَةِ» سوار، پشت سر جنازه حرکت کند..

البته بهتر است که تشییع کنندگان پیاده باشند، زیرا شیوه معمول رسول الله صلی علیه وسلم چنین بود و تشییع جنازه توسط رسول الله صلی علیه وسلم در حالت سوار، به ثبوت نرسیده است.

چنان که ثوبان می گوید:

«أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَتَى بِذَاتِهِ وَهُوَ مَعَ الْجَنَازَةِ فَأَبَى أَنْ يَرْكَبَهَا فَلَمَّا انْصَرَفَ أَتَى بِذَاتِهِ فَرَكِبَ فَقِيلَ لَهُ فَقَالَ إِنَّ الْمَلَائِكَةَ كَانَتْ تَمْشِي فَلَمْ أَكُنْ لِأَرْكَبْ وَهُمْ يَمْشُونَ فَلَمَّا دَهَبُوا رَكِبْتُ» ابوداود (۳۱۷۷). یعنی: برای رسول الله صلی علیه وسلم که جنازه ای را تشییع می کرد، مرکبی آوردند، ایشان از سوار شدن بر آن امتناع ورزید، ولی هنگام بازگشت بر آن سوار شد، علت را از ایشان پرسیدند. فرمود: چون فرشتگان پیاده راه می رفتند، صلاح ندیدم که بر مرکب سوار شوم، پس از اتمام تشییع فرشتگان رفتند، سوار مرکب شدم».

در سؤالی که از شیخ ابن عثیمین به عمل آمده فرموده اند : کدامیک بهتر است : حمل جنازه بر روی شانه ها، یا بر روی ماشین؟

فرمودند : «افضل آنست که بر روی شانه ها حمل شود، زیرا این روش به معنای حمل جنازه نزدیکتر است و اگر در کوچه و خیابان از کنار مردم عبور کند خواهند فهمید جنازه است و برایش دعا کنند، و این روش حمل کردن از فخر و ابهت به دور است، ولی اگر نیاز یا ضرورتی باشد ایرای ندارد که به وسیله موتّر جنازه را حمل کنند، مثلاً باران ببارد، یا هوا بسیار گرم یا سرد باشد، و یا افراد تشییع کننده اندک باشند» «مجموع الفتاوی» (۱۶۶/۱۷).

و باز در «الشرح الکافی» گفتند : «حمل جنازه بر روی موتّر جنازه اشتباه است، مگر نیازی به آن باشد، مثلاً تعداد افراد تشییع کننده اندک باشند(و نتوانند جنازه را حمل کنند)، و یا هوا بسیار گرم یا سرد باشد، یا باران ببارد، در غیر اینصورت حمل جنازه بر روی شانه های تشییع کنندگان مطابق سنت است و به آنها نفع (اجر) می رساند، و موجب عبرت کسانی می شود که از کنار آنها عبور می کند، ولی به هر حال اگر نیازی برای اینکار (حمل توسط موتّر جنازه باشد) باشد، ایرادی ندارد».

گرنگی وسنگینی جنازه :

برخی از مسلمان زمانی که جناز را حمل میکند و می بینند که جنازه گرنگ وسنگین باشد ، می گویند :
جنازه شخص متذکره بسیار گرنگ وسنگین بود ، واین سنگینی وگرنگی جنازه را علامه گنهگار بودن شخص متوفی می دانند .

در جواب این تعداد از مسلمانان باید گفت :

که در شریعت مقدس اسلامی چیزی که بر این امر دلالت کند وارد نشده، نهایت آنچه وارد شده سخن بعضی از فقهای متأخر که در این بابت روایات فرموده اند :

در این بابت روایت داریم در حاشیه « نهایة المحتاج » (۴۶۶/۲) تذکر رفته واین روایت به شرح ذیل می باشد: «از ابوعلی نجاد درباره سبک یا سنگین بودن جنازه سؤال شد، گفت : اگر (جنازه) سبک باشد پس شهید است؛ زیرا شهید زنده است، و زنده از مرده سبک تر است، و الله متعال می فرماید : «وَلَا تُحْسِنَنَّ الَّذِينَ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ» . «هرگز گمان مبر کسانی که در راه خدا کشته شدند، مردگانند! بلکه آنان زنده اند، و نزد پروردگارشان روزی داده می شوند». این را ابو الحسین در طبقات خود ذیل ترجمه عمر ابی حفص برمکی ذکر کرده است».

اما قول صحیح ودرست اینست که سنگینی و سبکی وزن جنازه نشانه و علامتی دال و ربطی بر حسن خاتمه یا سوء خاتمه انسان ندارد که بر اساس آن قضاوت کنیم، و نشانه ای بر درستکار بودن یا فاسد بودن صاحب جنازه نیست. همچنان علمای هیأت دائمی افتاء طی فتوای خویش در این مورد می فرمایند :

«نمی دانیم که برای سبکی یا سنگینی جنازه سببی جز اسباب حسی یعنی لاغری و یا چاقی جسم وجود داشته باشد، اما آنکس که گمان می کند سبک بودن جنازه دلالت بر کرامت میت دارد، و اگر سنگین باشد نشانه فسق اوست، تا جایی که می دانیم این سخن اصلی در شرع مطهر ندارد. ("فتاوی اللجنة الدائمة" (۸۶/۹).

شیخ البانی در «کتاب الجنایز» (بدعت شماره ۴۷) : «اعتقاد داشتن به این که جنازه، اگر انسان نیکوکار و صالحی باشد، وزن آن بر دوش حمل کنندگان سبک است و سریعتر پیش می روند» را از جمله بدعتهای پدید آمده دانسته است.

موعظه وسخترانی بر سر جنازه:

در افغانستان دیده شده که بعد از دفن میت علماء و به خصوص برخی از اعضای فامیل میت و در زیادتر اوقات مسؤولین دولتی و نظامی موعظه ها و سخنرانی ها در بابت میت به عمل می آورند .

در مورد این عمل باید گفت که در شرع اسلامی وعظ گفتن و ایراد بیانیه ها در قبرستان مشروع نیست، و نباید سنت همیشگی قرار بگیرد، اما اگر انگیزه و سببی برای وعظ گفتن باشد، مشروع است، مثل این که در هنگام دفن کردن مرده، افرادی مشاهده شوند که مشغول خنده و بازی و شوخی هستند، در این صورت شکی نیست که وعظ گفتن خوب و درست است، زیرا سبب و انگیزه ای هست که ایجاب می کند تا موعظه بیان شود، اما این که هنگام دفن کردن مرده، فردی برای سخنرانی از میان مردم برخیزد، چنین کاری در سنت و رهنمود پیامبر صلی الله علیه و سلم اصلی ندارد.

بلی درست است که پیامبر صلی الله علیه و سلم از جنازه مردی انصاری فارغ شد، و هنوز قبر آماده نشده بود، پیامبر صلی الله علیه و سلم نشست و یارانش اطراف او نشستند که گویا (از عظمت و هیبت) بالای سرشان پرنده هائی قرار دارند. - یعنی آنقدر در حضور پیامبر صلی الله علیه و سلم آرام گرفته بودند، و شاخه چوبی در دست پیامبر بود، و آن را به زمین می زد و پیامبر صلی الله علیه و سلم برای آنها از حالت شخص هنگام مردن و بعد از مرگ سخن می گفت. از حدیث براء بن عازب که احمد و ابوداود و غیره نیز روایت کرده اند.

در اینجا مشخص است که پیامبر صلی الله علیه و سلم به عنوان سخنرانی که برای مردم سخنرانی کند و آنها را موعظه نماید نبوده است، بلکه او نشسته بود و یارانش هم اطراف او نشسته بودند و منتظر بودند تا قبر آماده شود، در این میان پیامبر صلی الله علیه و سلم برایشان سخن گفت، مثل این که شما و همراهان تان نشسته و منتظر دفن شدن مرده باشید و تو برای آنها در مورد مرگ و حالات بعد از مرگ صحبت کنی، و سخن خاصی که در میان هم نشینان گفته می شود، با سخنی که به عنوان سخنرانی ایراد می شود فرق می کند، و همچنین وقتی مرده دفن می شد، پیامبر صلی الله علیه و سلم کنار قبرش می ایستاد و می فرمود: از خداوند برای برادران آمرزش بطلبید، و از خداوند بخواهید تا او را پابرجا و استوار نماید، زیرا او اکنون مورد سؤال قرار می گیرد. (این نیز بیان مطلب خاصی است و سخنرانی نیست). ابوداود (۳۲۲۱) ارناؤوط در تحقیق شرح السنه امام بغوی (۵ / ۴۱۸) گفته است: سند این حدیث حسن است. منبع: کتاب « قواعد و رهنمونهای بیداری اسلامی»

اذکاری که در وقت گذاشتن میت در قبر گفته می شود:

سنت است آنکسی که میت را در درون قبر می گذارد، بگوید: «بسم الله و علی سنة رسول الله» یا «و علی ملة رسول الله» .

دلیل خواندن این اذکار مطابق به حدیثی که آن را ابن عمر رضی الله عنه روایت فرموده، است :

« أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ إِذَا وَضَعَ الْمَيِّتَ فِي الْقَبْرِ قَالَ بِسْمِ اللَّهِ وَعَلَى سُنَّةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ » (و فی لفظ: إِذَا وَضَعْتُمْ مَوْتَاكُمْ فِي الْقُبُورِ، فَقُولُوا: بِسْمِ اللَّهِ وَعَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ (و فی روایه: علی سنة). أبو داود (۳۲۱۳) و ترمذی (۱۰۴۶) و ابن ماجه (۱۵۵۰) و حاکم (۱۳۵۳).

یعنی: وقتی رسول الله صلی الله علیه و سلم میت را در قبر می گذاشت می فرمود: (بسم الله و علی سنة رسول الله صلی الله علیه و سلم).

و در روایتی فرمود: هرگاه شما میت را در قبر می گذارید، بگوئید: (بسم الله و علی ملة رسول الله صلی الله علیه و سلم) (به نام خدا و بر شیوه و ملت رسول خدا).

یادداشت:

قابل تذکر است که خواندن این دعا صرف برای کسی مستحب است که میت را درون قبر قرار می دهد، اما برای

دیگران که در تشییع جنازه آن شرکت کردند سنت نیست، بلکه سایر مشترکین باید سکوت اختیار نمایند، و برای میت دعای رحمت و ثبات کنند.

امام نووی در «شرح المذهب» (۲۵۷/۵) گفته:

«مستحب است آنکسی که میت را داخل قبر می کند در وقت داخل کردن بگوید: «بسم الله وعلی ملة رسول الله او علی سنة رسول الله صلی الله علیه وسلم».

و مرداوی در «الإنصاف» (۵۴۶/۲) می گوید: «و آنکسی که میت را داخل (قبر) می کند بگوید: بسم الله وعلی ملة رسول الله».

و در فتوای هیأت دائمی افتاء آمده: «و آنکسی که متولی دفن میت است در لحظه ای که میت را در لحد می گذارد، بگوید: بسم الله وعلی ملة رسول الله صلی الله علیه وسلم...». «اللجنة الدائمة للإفتاء» (۴۲۶/۸).

و از شیخ محمد بن محمد المختار الشنقیطی حفظه الله سؤال شد: آیا حاضرین نیز به همراه شخصی که میت را داخل قبر می کنند، بگویند: (باسم الله وعلی ملة رسول الله)؟

جواب فرمودند:

«کسی که میت را داخل می کند و در قبرش می گذارد آن را بگوید، اما به نسبت حاضری که شاهد دفن هستند، آنها سکوت کنند، و تنها به دعا برای او و درخواست از خداوند برای ثبات وی بسنده کنند، چرا که در حدیث از پیامبر صلی الله علیه وسلم آمده که بعد از دفن میت فرمودند: «اسْتَغْفِرُوا لِأَخِيكُمْ وَسَلُّوا لَهُ بِالتَّائِبِ فَإِنَّهُ الْآنَ يُسألُ». یعنی: برای برادران طلب آمرزش کنید و برای او از خداوند تقاضای استقامت نمائید، چرا که اکنون مورد بازخواست قرار می گیرد. به روایت ابوداود و «شرح زاد المستقنع» (۱۶/۸۵).

بنابراین برای تشییع کنندگان سنت است که برای میت دعا کنند و از الله متعال برای او ثبات قدم در پاسخگویی به سؤالات را داشته باشند.

گذشتن گل بر سر قبر:

در این اواخر در بین مسلمانان طوری رواج یافته که بالای قبر بعد از دفن میت دسته ای گل می گذارند و حتی آن را از جمله اعمال تجهیز و تکفین به شمار می آورند. ویا هم در بین مسلمانان طوری رواج به عمل آمده است که بالای قبر شمع و یا هم چراغ روشن می نمایند.

همه این اعمال نه از قرآن و نه از سنت پیامبر صلی الله علیه وسلم و نه از اعمال صحابه کرام و نه از اعمال ائمه مجتهدین به اثبات رسیده و نه در این مورد ثبوتی وجود دارد بناءً این عمل بدعت و ناجائز می باشد. (امداد الاحکام صفحه ۲۹ جلد اول: تفصیل موضوع را می توان در صفحه ۲۲۶ کتاب احکام میت مولانا مفتی رفیع عثمانی ترجمه مولانا نصر الله فیضانی) مطالعه فرماید.

نوشتن کلمه ویا عهد نامه بر کفن:

در برخی مناطق طوری رواج است که مردم به خاطر تبرک بر سینه ویا هم در پیشانی ویا هم در کفن کلمه طیبیه، کلمه شهادت، آیت الکرسی، ویا هم سایر دعا ها را به رنگ سیاه و غیره رنگها می نویسند در حالی که این عمل در شرع جائز نیست زیرا مرده بعد از مدتی پوسیده می شود، و این چیز های مقدس نیز مورد بی حرمتی قرار می گیرد، بر مسلمانان واجب است تا حرمت این تقدس را رعایت نمایند. ولی نوشتن توسط انگشت که چیزی از آن معلوم نمی

گردد برای تسلی زنده ها در شرع کدام ممانعتی نداشته و جائز می باشد ، به شرط این که این را هم سنت و یا مستحب و ضروری ندانند ورنه این هم بدعت و واجب التبرک می باشد (احسن الفتاوی صفحه ۳۵۱ جلد اول).

بعضی از مردم در سینه مرده شجره عهد نامه یا سورت یاسین بر تکه سنگ نوشته با آیات می گذارند ، این هم در شرع فایده ای برای میت نمی رساند و مورد بی حرمتی به کلمات مقدس می گردد باید از انجام این عمل خود داری صورت گیرد در مقابل برای میت باید دعا کند.

قبر:

قرآن عظیم الشان با چه زیبایی می فرماید: « مِنْهَا خَلَقْنَاكُمْ وَفِيهَا نُعِيدُكُمْ وَمِنْهَا نُخْرِجُكُمْ تَارَةً أُخْرَى » مبد اولی انسان از زمین آغاز می یابد و به خاک می انجامد . ابو البشر و خلقت او از خاک بود ، و بازگشت آن دوباره در خاک است و از همین خاک دوباره زنده می گردد . «.

پیامبر صلی الله علیه وسلم می فرماید: « إن القبر أول منازل الآخرة ، فإن نجی منه فما بعده أیسر منه ، وإن لم ینج منه فما بعده أشد منه » (رواه الترمذی).

(قبر اولین منزل از منازل آخرت است ، پس اگر فرد از آن نجات یافت بعد از آن آسانتر است و اگر از آن رستگار نشد بعد از آن سخت تر است).

همین طور پیامبر صلی الله علیه وسلم فرموده است : « ما رأیت منظرأ قط إلا والقبر أقطع منه » (هیچ منظره ای را از قبر سخت تر و ناخوشایند تر ندیده ام).

قبر منظره ایست که با آن دلها نرم و چشم ها گریان می شوند . انسان را به دنیای فانی بی علاقه و به آخرت ترغیب و علاقه مند می نماید.

یاد آوری از مرگ ، در هم کوبنده لذت و خوشیهاست . قبر پند و عبرت و بیداری از غفلت را در انسان تقویت می نماید .

قبر با بی صدائی زندگان را به پند و عبرت دعوت می نماید ، به انسان می آموزاند ، تا آینده را به یاد آورند و بیشتر برای روز آخرت و بازپرسی آمادگی گیرد.

پیامبر صلی الله علیه وسلم فرموده است : « كنت نهيتكم عن زيارة القبور ، فزورها ، فإنها تذكر الآخرة » (شما را از زیارت قبور نهی کرده بودم ، ولی از این به بعد آن ها را زیارت کنید ، به زیارت قبر ها بروید ، چون زیارت قبر یاد آوری آخرت است . «

زمانی که انسان در قبر گذشته می شود صدا بر می آید و پرسیده می شود کجاست ثروت و سامانت ؟ کجاست تخت پادشاهی ات ؟

کجاست مقام و جلال قدرت ، عظمت ، چوکی دنیایت ، کجاست زیبایی و جمالت ؟ کجاست جوانی ، تندرستی ، نیرو و قوت ؟ مریضی و ناتوانی ، سستی و کسالت کجاست ؟

در قبر چهره ها ، دست و پا ها ، زبان ، چشم و گوش همه و همه به جمجمه و استخوانهای پوسیده تبدیل می شوند و به جز اعمال نیک که انسان در دنیا به عمل آورده است دیگر هیچ چیزی و هیچ قدرتی ، هیچ فرزندی ، برادری ، خواهری ، مادری ، اولاد و فرزندی و در نهایت امر هیچ انسانی او را از عذاب قبر نجات داده نمی تواند.

عذاب قبر چنان سخت و دشوار است که پیامبر بزرگوار اسلام محمد صلی الله علیه وسلم همیشه در نماز خویش از عذاب قبر به خدا پناه می برد و به پیروان خویش ارشاد فرموده است :

« إذا فرغ أحدكم من التشهد الآخر فليتعوذ بالله من أربع : من عذاب جهنم ومن عذاب القبر ومن فتنة المحيا والممات ومن فتنة المسيح الدجال » . (رواه ابن ماجه) « هر گاه در نماز به آخرتشهد دوم رسیدید ، قبل از سلام کردن ، از چهار چیز به خدا پناه برید :

۱- از عذاب جهنم ،

۲- از عذاب قبر ،

۳- از فتنة زنده ها و مرده ها و فتنة دجال . « اللهم أنى أعوذ بك من عذاب القبر ومن عذاب النار ومن فتنة المحيا والممات ومن فتنة المسيح الدجال » . پیامبر صلی الله علیه وسلم برای پیروان خویش تأکید می کرد و می فرمود : « استعینوا بالله من عذاب القبر فإن عذاب القبر حق » ، (رواه احمد) (از عذاب قبر به خدا پناه ببرید همانا عذاب قبر حق است) .

پیامبر صلی الله علیه وسلم فرموده است : « إن هذه القبر مملوءة ظلمة على أهلها وإن الله عزوجل ينورها لهم بصلاتي عليهم » (رواه مسلم) (همانا این قبر ستانها پر ساکنینش بسیار تاریک است ، خداوند عزوجل به وسیله درود و دعای من برایشان آن را روشن و نورانی می گرداند .

برادر و خواهر مسلمان!

از یاد نبرید که قبراندرز دهنده ساکت است ، زمانی که انسان پند آن را بشنود باید خود را برای آن آماده کند ، باید توشه را برای آن روز که آمدنی است ، با خود داشته باشد .
زندگی فرصتی است برای نجات ، در آنجا .

ای برادر و خواهر مسلمان!

قبل از این که وقتت ضایع شود بر خیز و کمر همت ببند و تصمیم بگیر که از این به بعد اعمال نیک انجام دهی ، تا در امتحانی که در پیش روی داری با سر بلندی در آن موفق شوی .

ادامه دارد